جدیدترین نظرسنجی‌ها از ناامیدی گسترده شهروندان ایالات متحده از سیاست‌های واشنگتن حکایت دارد

آمریکایی‌ها بی‌اعتماد به آمریکا

رضا عمویی

آمریکایی‌ها به امیدواری شهرت دیرینه‌ای دارند. شهروندان آمریکایی در گذشته اغلب با ادعای بلندپروازانه «می‌توانم انجامش دهم» و دنبال کردن رویای آمریکایی شناخته می‌شدند. در بسیاری از کشورها نیز افرادی به امید رسیدن به رویاهای خود هر سال روانه آمریکا می‌شوند و موج مهاجرت سالانه به آمریکا آمار کمی نیست. حالا اما گزارش‌هایی در دست است که نشان می‌دهد آمریکا دیگر مانند گذشته «بهشت رویاها» نیست. نظرسنجی‌های مختلف نشان می‌دهد بسیاری از آمریکایی‌ها در حال از دست دادن امید خود به آینده کشورشان هستند. نظرسنجی‌ای که سال ۲۰۲۳ توسط مرکز تحقیقات «پیو» انجام شد، نشان می‌دهد حداقل دوسوم آمریکایی‌ها معتقدند تا سال ۲۰۵۰ آمریکا از نظر اقتصادی ضعیف‌تر و از اهمیت کمتری در جهان برخوردار خواهد بود. پیو همچنین در اعلام نتایج نظرسنجی خود گفته: شهروندان آمریکایی از نظر سیاسی نگاه مثبتی به آینده ندارند و معتقدند آمریکا تا سال ۲۰۵۰ بسیار شکننده و دارای شکاف داخلی خواهد بود. نظرسنجی دیگری نیز که سال گذشته (۲۰۲۴) توسط وال‌استریت ژورنال انجام شد، نشان داد تقریباً ۸۰ درصد آمریکایی‌ها انتظار دارند زندگی برای نسل آینده فرزندان‌شان بدتر از امروز باشد.

جدیدترین نظرسنجی‌ها حتی وضعیت تاریک‌تری را برای آمریکا به تصویر می‌کشد، تا آنجا که وبگاه آمریکایی پلیتیکو نتایج یک نظرسنجی را منتشر کرده که نشان می‌دهد هر روز بر تعداد افرادی که معتقدند دوران طلایی آمریکا پشت سر گذاشته شده، اضافه می‌شود و به نظر می‌رسد «برند آمریکا» از درون رو به افول است. به نوشته پلیتیکو و بر اساس نتایج نظرسنجی یادشده، در کشوری که بشدت دچار دودستگی شده، بدبینی و بدگمانی حکمفرماست؛ به گونه‌ای که دوسوم آمریکایی‌ها می‌گویند دولت اغلب و به عمد به مردم دروغ می‌گوید. این بی‌اعتمادی میان هر ۲ جناح وجود دارد؛ ۶۴ درصد جمهوری‌خواهان و ۷۰ درصد رای‌دهندگان دموکرات با این نظر موافقند که دولت به عمد به مردم دروغ می‌گوید. در این میان ۴۹ درصد (نزدیک به نیمی از جمعیت) آمریکایی‌ها می‌گویند بهترین دوران آن کشور پشت سر گذاشته شده و به پایان رسیده است.

پلیتیکو بویژه به همزمانی انتشار این نظرسنجی با یک سالگی پیروزی ترامپ در انتخابات نوامبر ۲۰۲۴ (آبان ۱۴۰۳) اشاره کرده و نویسنده معتقد است این نتایج نشان‌دهنده موج بزرگ بدبینی در میان شهروندان آمریکایی است. بر اساس نظرسنجی پلیتیکو، باور به «رویای آمریکایی» در این کشور کاهش یافته و به عبارتی این شعار که هر آمریکایی با تلاش و انضباط می‌تواند زندگی خود را بهبود بخشد، از بین رفته است. در مجموع ۴۶ درصد آمریکایی‌ها می‌گویند این رویا دیگر وجود ندارد.

■ بی‌اعتمادی به دولت

بی‌اعتمادی به دولت آمریکا یکی از شاخصه‌هایی است که نشان می‌دهد شهروندان این کشور نگاه مثبتی به عملکرد دولت ندارند. اندیشکده «مشارکت برای خدمات عمومی»، مستقر در واشنگتن دی‌سی، نتایجی از یک گزارش درباره میزان اعتماد آمریکایی‌ها به دولت در سال ۲۰۲۵ را منتشر کرده نتایج آن نشان‌دهنده افزایش بی‌سابقه بی‌اعتمادی و ناامیدی شهروندان آمریکایی از عملکرد دولت آن کشور است. بر اساس یافته‌های مهم این نظرسنجی، ۴۵ درصد آمریکایی‌ها می‌گویند دولت فدرال بیشتر دارای تأثیر منفی بر کشور است تا تأثیر مثبت. همچنین دوسوم آمریکایی‌ها یعنی ۶۷ درصد می‌گویند دولت فدرال «فاسد» است. بر اساس این گزارش، ۶۱ درصد آمریکایی‌ها هم گفته‌اند دولت فدرال «اسراف‌کار» است.

طبق نظرسنجی این موسسه که آوریل ۲۰۲۵ یعنی ۶ ماه پیش انجام شده است، تنها یک‌سوم آمریکایی‌ها (۳۳درصد) می‌گویند به دولت فدرال اعتماد دارند و تقریباً نیمی (۴۷ درصد) می‌گویند به دولت اعتماد ندارند و ۱۳ درصد بی‌طرف هستند.

■ ۹۰ درصد برای ۱۰ درصد

گزارش‌ها در خود آمریکا حکایت از افزایش شکاف طبقاتی دارد. گزارشی که توسط بانک «فدرال رزرو مینیاپولیس» (یکی از ۱۲ شعبه فدرال رزرو آمریکا در شهر مینیاپولیس) بتازگی منتشر شده، تاکید دارد از دهه ۱۹۸۰، آمریکا نه‌تنها شاهد افزایش مداوم نابرابری درآمدی بوده، بلکه همزمان فاصله طبقاتی از نظر دسترسی به مسکن نیز بر اساس درآمد تشدید و بدتر شده است. «دونالد ارل کالینز» نویسنده آمریکایی نیز با انتشار گزارشی در الجزیره نوشته است بهترین روزهای اقتصاد آمریکا مدت‌هاست گذشته و روزهای بهتر برای آمریکا در آینده دیگر قابل پیش‌بینی نیست.

نویسنده آمریکایی معتقد است ایده قرن بیستمی «رویای آمریکایی» که در آن تقریبا بخش زیادی از شهروندان آمریکایی می‌توانستند به طبقه متوسط، ثروتمند یا حتی بسیار ثروتمند تبدیل شوند یا آرزوی تبدیل شدن به آن را داشتند، در قرن بیست‌ویکم تقریباً از بین رفته است.

گزارشی نیز که موسسه مودیز آنالیتیکس (شرکت خدمات مالی آمریکایی) ۸ ماه پیش منتشر کرد، حکایت از این دارد که ۱۰ درصد ثروتمندترین آمریکایی‌ها (خانوارهایی با درآمد سالانه حداقل ۲۵۰ هزار دلار) نیمی از کل هزینه‌های مصرف‌کنندگان آمریکایی (حدود ۱۰ تریلیون دلار) را بین سپتامبر ۲۰۲۳ تا سپتامبر ۲۰۲۴ به خود اختصاص داده‌اند. بر اساس این گزارش، ۱۲,۷ میلیون خانوار آمریکایی روی هم رفته هزینه‌شان از ۱۳۱ میلیون خانوار باقیمانده این کشور بیشتر است و این اختلاف بزرگ‌ترین شکاف درآمدی را در تاریخ آمریکا نشان می‌دهد. در همین حال، اوضاع برای آمریکایی‌های با مشاغل عمومی و رایج، بسیار ناامیدکننده است، چون حداقل دستمزد فدرال از سال ۲۰۰۹ روی ۷,۲۵ دلار در هر ساعت ثابت مانده است. این در حالی است که فقط نرخ تورم سالانه تا سپتامبر ۲۰۲۵ به بیش از ۳ درصد رسیده است.

«سچیتا مک‌نیر» شهروند ۴۵ ساله ساکن آتلانتا که راننده تاکسی اینترنتی است، درباره رویای آمریکایی به نیویورک‌تایمز گفته است: «وقتی به رویای آمریکایی فکر می‌کنم، با توجه به تعرفه‌ها و اقتصاد و وام‌های دانشجویی که در طول زندگی درگیر آن هستم، به این نتیجه می‌رسم این رویا دیگر قابل دستیابی نیست و راستش را بخواهید باید به مهاجرت به خارج از آمریکا فکر کنم».

■ مهاجرت داخلی به دلیل ناامنی

از سوی دیگر، پایان رویای آمریکایی فقط مربوط به شرایط بد اقتصادی نیست، بلکه اوضاع اجتماعی و امنیت نیز در آمریکا شرایط خوبی ندارد. طبق گزارش سازمان ملل متحد، تا پایان سال ۲۰۲۴ بیش از یک میلیون نفر در آمریکا به دلیل خشونت، ناامنی، آزار و اذیت از خانه‌های خود آواره شده‌اند. خشونت باندهای تبهکار، تهدید، اخاذی، آزار و اذیت و خشونت جنسی صدها هزار آمریکایی را مجبور به فرار از خانه‌های خود برای جست‌وجوی زندگی در جای دیگری از آمریکا کرده است.

این روزها تصاویری از افراد بازداشت‌شده دستبند به دست و زنجیر به پا به کرات دیده می‌شود. عمده این تصاویر مربوط به موج بازداشت‌ها در آمریکا به بهانه مبارزه با مهاجران غیرقانونی است. حتی افرادی که سابقه جرم و جنایت ندارند و وضعیت اقامت قانونی آنها توسط دادگاه تأیید شده است نیز در معرض این بازداشت‌ها قرار دارند. فراتر از این برخی شهروندان متولد آمریکا نیز طی چند ماه گذشته به دلیل سیاست‌های ضدمهاجرتی ترامپ بازداشت شده‌اند. ۳ ماه پیش، مأموران فدرال در شهر مونته‌بلو ایالت کالیفرنیا یک شهروند آمریکایی متولد آمریکا را که به مأموران گفته بود گذرنامه‌اش در جیبش است، بازداشت کردند. ماه گذشته نیز یک شهروند آمریکایی متولد آریزونا که گزارش شده بی‌سواد و دارای معلولیت یادگیری است، توسط مأموران مهاجرت بازداشت شد و به اشتباه متنی را امضا کرد که در آن اعتراف کرده بود به طور غیرقانونی وارد آمریکا شده است. اوایل تابستان نیز یک شهروند آمریکایی متولد فلوریدا، با وجود داشتن کارت شناسایی واقعی، توسط مأموران مهاجرت بازداشت شد و پس از بازداشت، اداره مهاجرت اعلام کرد ماموران تصور کرده‌اند کارت شناسایی او جعلی است. این شرایط باعث شده حتی شهروندان عادی آمریکایی بویژه لاتین‌تبارها یا آسیایی‌ها با وجود تولد در خاک آمریکا اما در معرض بازداشت قرار داشته باشند. نظرسنجی منتشرشده در وال‌استریت ژورنال حاکی از آن است ۶۳ درصد لاتین‌تبارها با وجود داشتن مدارک قانونی اقامت یا کار در آمریکا اما از رفت و آمد در خیابان‌ها احساس ناامنی دارند و با تاریک شدن هوا سعی می‌کنند از محل اقامت خود خارج نشوند.

«باب بودت» شهروند ۷۹ ساله ساکن فینیکس و بازنشسته اداره مالیات، با آنکه در انتخابات ریاست جمهوری سال گذشته آمریکا به ترامپ رای داد اما درباره تحقق رویای آمریکایی بسیار ناامید است و به نیویورک‌تایمز می‌گوید: آن رویا از بین رفته است. بیشتر افرادی که من می‌شناسم سعی می‌کنند زندگی کنند، حقوق ماهانه‌شان را بگیرند و زنده بمانند. طبقه متوسط در حال فروپاشی است. قیمت املاک و مستغلات از کنترل خارج شده و نمی‌دانم جوانان چگونه می‌خواهند یک خانه برای زندگی جور کنند. شاید جوانان ناگزیر به مهاجرت به شهرهای ارزان شوند.

■ فرار مغزها از آمریکا

با قدرت‌گیری دوباره ترامپ در آمریکا، این کشور شاهد مهاجرت گسترده نخبگان خود نیز هست. گزارشی در مجله «نیچر» منتشر شده که نشان می‌دهد صدها نفر از پژوهشگران و محققان علمی آمریکایی می‌گویند در حال بررسی مهاجرت از این کشور هستند؛ محققانی که بسیاری از آنها دهه‌ها از دوران حرفه‌ای خود را برای انجام کارهای دقیق علمی و اکتشافات گذرانده‌اند و اکنون مهاجرت و خروج از آمریکا را به ماندن در این کشور ترجیح می‌دهند. «کرک سویرینگن» پژوهشگر آمریکایی در یادداشتی با انتقاد از سیاست‌های ترامپ که منجر به مهاجرت گسترده نخبگان علمی از این کشور شده، گفته است: «آنها شهروند نمی‌خواهند، رعیت می‌خواهند و فکر می‌کنند ما دشمن هستیم!» نتایج نظرسنجی انجام‌شده از سوی مجله معتبر نیچر نشان داد ۷۵ درصد محققان و پژوهشگران آمریکایی در حال بررسی مهاجرت همیشگی از این کشور هستند. این گزارش همچنین نشان می‌دهد تعداد دانشمندان آمریکایی‌ای که به دنبال پیدا کردن شغل در خارج از این کشور هستند، ۳۰ درصد افزایش یافته است.

فشار دولت دونالد ترامپ برای کاهش هزینه‌های فدرال منجر به توقف بخشی از فعالیت‌های تحقیقاتی - پژوهشی و کاهش بودجه دانشگاه‌ها و بسیاری از مراکز علمی و تحقیقاتی شده و کارشناسان و پژوهشگران این مراکز به دلیل از دست دادن موقعیت‌های شغلی خود اکنون ناچار به مهاجرت از آمریکا به کانادا، اروپا و حتی چین شده‌اند. بنیاد ملی علوم آمریکا یک نهاد علمی است که بتازگی یک میلیارد دلار از کمک‌های مالی خود به پژوهشگران را تعلیق کرده و این کاهش بودجه به صورت مستقیم باعث توقف فعالیت کاری بسیاری از کارشناسان و محققان در بخش علوم ریاضیات آن شده است.

«دانیلا فودرا» دکتری مهندس زیست‌پزشکی در دانشگاه کلمبیاست و پاییز امسال با قطع بورس دولتی به او برای انجام تحقیقاتش درباره فیبروم‌های رحمی، برای ادامه تحقیقاتش ناگزیر به مهاجرت به کانادا شد. سایت تحلیلی کریستین ساینس مانیتور نیز با انتقاد از افزایش مهاجرت نخبگان از آمریکا به دلیل قطع بودجه و کمک‌های مالی دولت فدرال در گزارشی نوشت: آمریکا قبلاً بهشت تحقیقات بود ولی حالا دانشمندان چمدان‌های‌شان را برای رفتن از آن می‌بندند!

مقاومت ملی؛ راهبردی برای ماندگاری، اقتدار و پیشرفت ایران

نگاه

ادامه از صفحه اول

راهکارهای تحقق اقتصاد مقاومتی تقویت تولید داخل، کاهش وابستگی به نفت و ارز، اصلاح ساختارهای مالی و بانکی و حمایت از اشتغال پایدار است. مردمی که ثبات اقتصادی را در زندگی خود احساس کنند، بزرگ‌ترین پشتوانه مقاومت ملی خواهند بود.

پ- مقاومت فرهنگی و اجتماعی

مقاومت پایدار بدون پایه‌های فرهنگی و اجتماعی شکل نمی‌گیرد. امروز بخش مهمی از جنگ دشمن، جنگ ادراک و روایت‌هاست. دشمن با ترویج یاس، ناامیدی و سیاه‌نمایی در تلاش است امید را از جامعه بگیرد. در چنین فضایی، تقویت روحیه خودباوری، افزایش اعتماد عمومی و ترویج فرهنگ کار و تلاش، ضروری است.

رسانه‌ها، نخبگان و دانشگاه‌ها باید با درک درست از شرایط کشور، تصویر واقع‌بینانه و امیدبخشی از توان ملی ارائه دهند تا اعتماد و سرمایه اجتماعی تقویت شود.

■ انسجام و عدالت؛ پشتوانه مقاومت

هیچ جامعه‌ای بدون وحدت درونی قادر به مقاومت در برابر فشار بیرونی نیست. انسجام ملی، اعتماد متقابل میان مردم و حاکمیت و احساس عدالت اجتماعی، سرمایه‌های اصلی مقاومتند.

دولت و نهادهای مسؤول باید با اصلاح ساختارها، شفافیت در عملکرد و مبارزه با فساد، این سرمایه حیاتی را حفظ و تقویت کنند تا مردم نتیجه ایستادگی خود را در بهبود شرایط کشور مشاهده کنند. مقاومت ملی، یک تاکتیک مقطعی نیست، بلکه راهبردی جامع برای بقا، اقتدار و پیشرفت کشور است. این مسیر به معنای قطع ارتباط با جهان نیست، بلکه به معنای تعامل هوشمندانه و از موضع قدرت است.

هر اندازه عقلانیت در سیاست، عدالت در اقتصاد و امید در فرهنگ تقویت شود، اراده ملت ایران شکست‌ناپذیرتر خواهد بود.

قدرت واقعی ایران در ایمان، آگاهی و انسجام مردم نهفته است؛ اگر این توان حفظ و هدایت شود، هیچ فشار و تهدیدی نمی‌تواند ملت ایران را از مسیر عزت و پیشرفت بازدارد.

چرا اختلاف ایران و آمریکا ذاتی است؟

ترام یک

ادامه از صفحه اول

در آن دوران، ایران به یک جزیره ثبات برای منافع آمریکا در منطقه تبدیل شد؛ منابع نفتی کشور در قالب کنسرسیومی جدید در اختیار شرکت‌های غربی قرار گرفت و مستشاران آمریکایی با برخورداری از مصونیت قضایی (کاپیتولاسیون)، عملاً بر ارکان نظامی و امنیتی کشور تسلط یافتند.

بنابراین هنگامی که انقلاب اسلامی به پیروزی رسید، بدنه اجتماعی و رهبران آن، آمریکا را حامی اصلی رژیم سرکوبگر پهلوی و عامل اصلی تحقیر ملی در دهه‌های گذشته می‌دانستند. در چنین فضایی، پناه دادن آمریکا به شاه مخلوع پس از انقلاب، این نگرانی را در میان دانشجویان و توده‌های مردم تقویت کرد که سفارت آمریکا در تهران، در حال تبدیل شدن به یک اتاق توطئه برای تکرار سناریوی کودتای ۲۸ مرداد است. در واقع تسخیر سفارت، بیش از آنکه علت دشمنی باشد، معلول تاریخی طولانی از مداخله، تحقیر و بی‌اعتمادی بود.

■ تعارض بنیادین هویت ایران با نظم هژمونیک آمریکا

ریشه دیگر این اختلاف ذاتی، در تعارض بنیادین هویت و ماهیت ۲ نظام سیاسی نهفته است. فلسفه وجودی جمهوری اسلامی بر پایه اصل «نه شرقی، نه غربی» و نفی هرگونه سلطه‌پذیری و سلطه‌گری استوار است. این اصل که برآمده از آموزه‌های اسلامی و تجربه تاریخی مبارزه با استعمار است، به معنای استقلال کامل در تصمیم‌گیری‌های داخلی و خارجی و مقاومت در برابر قدرت‌هایی است که به دنبال تحمیل اراده خود بر دیگران هستند.

در مقابل، سیاست خارجی ایالات متحده، دست‌کم از جنگ دوم جهانی به این سو، بر پایه حفظ و گسترش هژمونی جهانی خود تعریف شده است. این رویکرد که در ادبیات سیاسی انقلاب اسلامی از آن با عنوان «استکبار» یاد می‌شود، صرفاً به معنای قدرتمند بودن نیست. استکبار، یک خوی و منش سیاسی است که خود را برتر از دیگران می‌داند و به خود حق می‌دهد برای تأمین منافعش، در امور دیگر کشورها مداخله کند، منابع آنها را به غارت ببرد و برای سرنوشت ملت‌ها تعیین تکلیف کند.

از این منظر، ظهور یک قدرت منطقه‌ای مستقل، تأثیرگذار و ایدئولوژیک مانند جمهوری اسلامی ایران در یکی از حساس‌ترین نقاط جهان، ذاتاً با نظم هژمونیک مورد نظر آمریکا در تضاد است. ایران انقلابی، نه تنها خود را از مدار وابستگی به غرب خارج کرد، بلکه با الهام‌بخشی به دیگر ملت‌های مسلمان و مستضعف، الگوی مقاومت و استقلال را ترویج کرد. این امر، چالشی بنیادین برای ساختار قدرتی بود که آمریکا پس از دهه‌ها برای خود در غرب آسیا تعریف کرده بود. بنابراین تقابل میان این دو، نبرد میان ۲ اراده است؛ اراده‌ای برای سلطه و اراده‌ای برای استقلال. این تعارض ماهوی، فراتر از اختلافات بر سر تعداد سانتریفیوژها یا حمایت از گروه‌های مقاومت در منطقه است.

■ نبرد اراده‌ها؛ تقابل ذاتی استقلال‌خواهی و سلطه‌طلبی

این تقابل هویتی، به طور مستقیم به تضاد در منافع راهبردی ۲ کشور ترجمه می‌شود. منافع حیاتی آمریکا در منطقه به طور سنتی بر ۳ ستون استوار بوده است؛ تضمین جریان آزاد انرژی، تأمین امنیت رژیم صهیونیستی و جلوگیری از ظهور یک قدرت منطقه‌ای که بتواند این ۲ اصل را به چالش بکشد.

جمهوری اسلامی ایران، در هر ۳ حوزه، به عنوان مانع جدی تحقق اهداف آمریکا تلقی می‌شود. ایران با تأکید بر حق خود در توسعه فناوری بویژه برنامه صلح‌آمیز هسته‌ای، از دیدگاه آمریکا به دنبال برهم زدن توازن استراتژیک منطقه است. با حمایت از جریان مقاومت، امنیت رژیم صهیونیستی را به عنوان اصلی‌ترین متحد واشنگتن به خطر می‌اندازد و با افزایش همکاری‌های سیاسی و فرهنگی خود با کشورهای همسایه، معماری امنیتی مطلوب آمریکا را به چالش می‌کشد. از سوی دیگر، جمهوری اسلامی نیز منافع حیاتی خود را در کاهش نفوذ و حضور نظامی آمریکا در منطقه، ایجاد یک نظم امنیتی بومی با مشارکت همسایگان و مقابله با تهدیدات ناشی از رژیم صهیونیستی تعریف می‌کند.

■ «قوی شدن» تنها راهبرد مصونیت‌بخش

در چنین شرایطی که اختلاف، ذاتی و ریشه‌دار است، راهکار چیست؟ از منظر جمهوری اسلامی، راه‌حل، نه در مذاکره از موضع ضعف یا امید به تغییر رفتار طرف مقابل، بلکه در «قوی شدن» نهفته است. این راهبرد که بارها توسط رهبر انقلاب اسلامی مورد تأکید قرار گرفته، یک مفهوم جامع و چندبعدی است که صرفاً به قدرت نظامی محدود نمی‌شود.

قوی شدن به معنای دستیابی به بازدارندگی مؤثر نظامی از طریق توسعه توانمندی‌های بومی دفاعی است تا دشمن به این نتیجه برسد که هزینه هرگونه تهاجم، بسیار فراتر از دستاوردهای احتمالی آن خواهد بود. این به معنای استحکام اقتصادی از طریق سیاست‌های اقتصاد مقاومتی، کاهش وابستگی به نفت، حمایت از تولید داخل و خنثی‌سازی تحریم‌هاست؛ به معنای پیشرفت علمی و فناوری است تا کشور در مرزهای دانش حرکت کرده و از وابستگی به دیگران بی‌نیاز شود و سرانجام، به معنای تقویت انسجام ملی، حفظ روحیه انقلابی و اتکا به نیروی درونی و معنوی ملت است.

منطق این راهبرد آن است که وقتی یک کشور از موضع قدرت سخن بگوید و دشمن احساس کند از طریق فشار و تهدید نمی‌تواند به اهداف خود دست یابد، آنگاه معادله تغییر خواهد کرد. در آن صورت، هرگونه تعامل احتمالی در آینده، بر اساس تحمیل اراده یک طرف بر دیگری نیست، بلکه بر مبنای احترام متقابل و پذیرش واقعیت‌ها شکل خواهد گرفت.

نباید ماهیت رابطه ایران و آمریکا را با عینک اختلافات تاکتیکی تحلیل کرد، زیرا به درک نادرست از واقعیت منجر می‌شود. این تقابل، ریشه در حافظه تاریخی ملت ایران از مداخلات آمریکا، تضاد بنیادین میان هویت استقلال‌طلبانه انقلاب اسلامی و ماهیت سلطه‌جویانه ایالات متحده و تعارض عمیق در منافع حیاتی ۲ کشور دارد. از این رو، این اختلاف، ذاتی است، نه موردی. درک این واقعیت، کلید فهم سیاست خارجی ۴ دهه گذشته جمهوری اسلامی و تبیین راهبرد آن برای آینده است؛ راهبردی که نه بر پایه سازش، بلکه بر اساس قوی شدن و ایجاد مصونیت در برابر دشمنی‌ای که ذاتی و پایان‌ناپذیر تلقی می‌شود، بنا شده است.

دور دنیا

سازمان ملل:

غیرنظامیان در «فاشر» سودان هدف «اعدام‌های جمعی» قرار می‌گیرند

هماهنگ‌کننده امور بشردوستانه سازمان ملل در سودان از اعدام‌های جمعی غیرنظامیان حین فرار از شهر فاشر خبر داد. سازمان ملل متحد دیروز دوشنبه اعلام کرد ده‌ها هزار نفر به دلیل گسترش درگیری‌ها از ایالت کردفان شمالی سودان فرار کرده‌اند. دنیس براون اعلام کرد: فاشر به کانون اصلی درگیری و اقدامات خشونت‌آمیز تبدیل شده است.

هماهنگ‌کننده امور بشردوستانه سازمان ملل افزود: بیش از ۵۰۰ روز است تلاش می‌کنیم وارد فاشر شویم اما با ممانعت مواجه شده‌ایم. گزارش‌هایی از اعدام‌های جمعی غیرنظامیان حین فرار دریافت کرده‌ایم. وی افزود: کاهش تعداد فراریان از فاشر نشان‌دهنده تشدید محاصره توسط نیروهای واکنش سریع است. در عرصه نبرد میدانی نیز یک منبع دولتی به شبکه الجزیره گفت: نیروهای واکنش سریع ۲ شهر رهد و ابیض در ایالت کردفان شمالی را هدف حمله پهپادی خود قرار دادند.

واکنش حماس به تصویب لایحه اعدام اسرا در کمیته کنست

جنبش حماس در بیانیه‌ای تصویب لایحه اعدام اسرای فلسطینی در کمیته پارلمانی رژیم صهیونیستی را نمایانگر چهره فاشیستی این رژیم دانست و از جامعه جهانی و نهادهای مربوط خواست فورا برای متوقف کردن این جنایت هولناک وارد عمل شود.

جنبش حماس دیروز دوشنبه با صدور بیانیه‌ای مطبوعاتی به اقدام پارلمان رژیم صهیونیستی در تصویب لایحه اعدام اسرای فلسطینی واکنش نشان داد.

حماس اعلام کرد تصویب لایحه اعدام اسرای فلسطینی در کمیته امنیت داخلی پارلمان رژیم صهیونیستی و ارجاع آن جهت رای‌گیری در کنست، به نمایش گذاشتن چهره زشت فاشیستی اشغالگران سرکش صهیونیست و نقض دوباره قوانین بین‌المللی، بویژه احکام قوانین بین‌المللی انسانی و توافق ژنو ۳، از سوی اشغالگران است.

به گزارش «شهاب‌نیوز»، این جنبش در ادامه بیانیه خود تاکید کرد: با توجه به گزارش‌های منتشرشده از موارد هولناک نقض حقوق اسرای فلسطینی و نیز انتشار ویدئویی از شکنجه و تعرض به یک اسیر فلسطینی در بازداشتگاه «سدی تیمان» از سازمان ملل، جامعه جهانی و نهادهای حقوقی و انسانی مربوط می‌خواهیم برای متوقف کردن این قبیل جنایات وحشیانه فورا اقدامی را در پیش گرفته و کمیته‌های بین‌المللی را جهت ورود به بازداشتگاه‌ها و اطلاع از شرایط اسرای فلسطینی تشکیل داده و جنایاتی را که با نظارت رسمی مقامات رژیم اشغالگر در حق اسرا انجام می‌شود، افشا کرده و در راستای آزادسازی فوری آنها تلاش کنند.

رسانه‌های عبری دیروز اعلام کردند کمیته امنیت داخلی کنست (پارلمان رژیم صهیونیستی) لایحه‌ای را به تصویب رساند که امکان صدور و اجرای حکم اعدام در حق اسرای فلسطینی را فراهم می‌کند.

ترامپ درباره جنگ با ونزوئلا:

شک دارم!

دونالد ترامپ در مصاحبه با برنامه ۶۰ دقیقه شبکه سی‌بی‌اس، گفت شک دارد ایالات متحده قصد جنگ با ونزوئلا را داشته باشد اما روزها برای نیکولاس مادورو، رئیس‌جمهور ونزوئلا به شماره افتاده است.

وی در این مصاحبه درباره حملات اخیر آمریکا به قایق‌ها و باندهای مظنون به قاچاق مواد مخدر به خاک آمریکا در دریای کارائیب و استقرار مجدد ناو هواپیمابر ایالات متحده در این منطقه مورد پرسش قرار گرفت.

ترامپ در پاسخ به این پرسش که آیا آمریکا قصد دارد با ونزوئلا بجنگد، اظهار کرد: من شک دارم. من اینگونه فکر نمی‌کنم اما آنها با ما بسیار بدرفتاری کردند. نه‌تنها درباره مواد مخدر، بلکه آنها صدها هزار نفر را که ما نمی‌خواستیم از زندان‌ها وارد کشور ما کردند. آنها زندان‌های خود را از زندانی خالی و آنها را به کشور ما سرازیر کردند. رئیس‌جمهور آمریکا در پاسخ به اینکه آیا اقدامات اخیر نظامی آمریکا در دریای کارائیب با هدف جلوگیری از قاچاق مواد مخدر به خاک آمریکا بوده یا براندازی مادورو، گفت: هدف این حملات چیزهای زیادی است. وی همچنین در این باره که آیا روزها برای مادورو به عنوان رئیس‌جمهور ونزوئلا به شماره افتاده، پاسخ داد: فکر می‌کنم بله!

در حملات اخیر نیروهای نظامی آمریکا به دست‌کم ۱۵ قایق مظنون به حمل و قاچاق مواد مخدر به خاک آمریکا در دریای کارائیب، تاکنون ۶۴ نفر کشته شده‌اند.

ترامپ این حملات را یک ضرورت برای جلوگیری از جریان مواد مخدر به ایالات متحده توجیه کرده است. او ادعا کرده واشنگتن در حال یک «درگیری مسلحانه» با کارتل‌های مواد مخدر است و به همان اختیارات قانونی که دولت بوش هنگام اعلام جنگ علیه تروریسم پس از حملات ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ از آن استفاده کرد، متکی است. کاخ سفید بارها درخواست قانونگذاران آمریکایی مبنی بر انتشار اطلاعات بیشتر درباره توجیه قانونی این حملات و همچنین جزئیات بیشتر درباره اینکه کدام کارتل‌ها هدف قرار گرفتند و چه کسانی کشته شدند را رد کرده است. در همین حال چند روز پیش ترامپ ادعا کرد دولتش برنامه‌ای برای حمله زمینی به ونزوئلا ندارد اما نیکولاس مادورو، رئیس‌جمهور ونزوئلا با توجه به سابقه فریبکاری و نقض عهدهای ترامپ به نتیجه‌ای عکس اظهارات همتای آمریکایی خود رسیده است.

مادورو گفت: انکار ترامپ (درباره حمله)، این باور را در میان ونزوئلایی‌ها تقویت کرد که ایالات متحده در حال برنامه‌ریزی علیه ونزوئلا است. هر کاری که علیه ونزوئلا انجام می‌شود، برای توجیه جنگ، تغییر رژیم و سرقت ثروت نفتی ماست. وی توضیح داد: برادران و خواهران ما در آمریکای لاتین و کارائیب باید بدانند مبارزه ونزوئلا، مبارزه‌ای برای کل قاره آمریکا است و پیروزی ما برای حق حاکمیت و صلح در برابر دروغ امپریالیستی است.